

اخبار کارگری

عضو کمیسیون صنایع:

اخراج مدیران رشوه گیر بهتر از اخراج کارگران است

یک عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس گفت: اخراج مدیران رشوه گیر به جای تعدیل کارگران شرکت‌های خودروساز از ضریب اثرگذاری به مراتب بیشتری در کاهش هزینه‌های سرباری خودروسازان بر خوردار است.

محمدرضا منصوری در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: برای فائق آمدن بر بحران ناشی از نابسامانی‌های بازار خودرو باید از تنوع محصول که اثر معکوس در بازار داشته، کاست. نیاز مشتریان داشتن یک دستگاه خودروی مناسب است. بسیار طبیعی است در شرایط تحریم با چالش تهیه خودرو روبرو باشیم. اگر قرار باشد خودروها از رده خارج شود و ورودی نداشته باشیم قیمت خودرو افزایش پیدای کند.

منصوری با بیان این ادعا که شرکت‌های خودروسازی داخلی زمین، املاک و دارایی‌های فراوانی در داخل و خارج از کشور دارند، گفت: بخش قابل توجهی از این‌داری‌ها صرفا برای حفظ سرمایه از چرخه تولید خودروسازان خارج شد. وقت آن است که این سرمایه‌گذاری‌ها به داخل صنعت خودرو بازگردانده شود و صرف تامین نیازهای مالی خودروسازان و بازپرداخت مطالبات قطعه‌سازان شود.

نماینده ساوه در مجلس، تعطیلی دفاتر و نمایندگی‌های غیراقتصادی خارج از کشور ایران خودرو و سایپا را خواستار شد و افزود: این دفاتر و نمایندگی‌ها به جز بلعیدن منابع ارزی خودروسازان، در آمدی برای شرکت‌های خودروساز ندارند. با تعطیلی آنها باید از خروج ارز و هدر رفتن بیشتر آنها جلوگیری کرد.

وی تصریح کرد: مدیران دولتی صنعت خودروسازی و مدیران عامل شرکت‌های خودروسازی کشور به جای جراحی اقتصادی و خروج صنعت خودرویی از نابسامانی‌های متعدد مالی، اجرایی و مدیریتی، مسکن در مانی را تجویز کردند و سال به سال بر حجم بدهی‌های این شرکت‌ها افزودند.

این عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس توجه وزارت صنعت، معدن و تجارت و خودروسازان به این پیش‌نهادات را خواستار شد و ابراز عقیده کرد: بیش از چهار دهه است که هر فردی، مدیر عامل شرکت‌های خودروساز شد با دریافت تسهیلات از نظام بانکی، برای این شرکت‌ها بدهی روی بدهی انبار کرده است. براساس آمارهای مختلف مجموع بدهی شرکت‌های خودرویی مرز ۵۰ هزار میلیارد تومان وارد کرده و مرتباً رو به افزایش است.

■ ■ ■

کارگران فصلی واحد بهره برداری هفت تپه تجمع کردند

صبح دیروز (یکم دی ماه) گروهی از کارگران واحد بهره برداری مجتمع نیشکر هفت تپه که به صورت فصلی در مزارع نیشکر مشغول کارند، با تجمع مقابل ورودی شرکت خواستار پیگیری فعالیت شغلی خود با کارفرما شدند.

به گزارش ایلنا، معترضان مدعی هستند که کارگران واحد بهره برداری بعد از پایان فصل بهره برداری نی در مزارع نیشکر بیکار شده و درآمدی ندارند به همین در حال حاضر که فصل برداشت نیشکر آغاز شده برای تامین معاش زندگی خانوادگی خود نیاز به کار دارند از این رو از مدیریت مجتمع هفت تپه درخواست دارند هر چه سریعتر با تجهیز کارخانه، وضعیت شغلی و استخدامی آنها را مشخص کند.

آنها می گویند: دست کم ۲۵۰۰ کارگر فصلی با آغاز فصل بهره برداری نیشکر مشغول کار می شوند و از این جمعیت، حدودا ۱۵۰۰ نفر به صورت روزمزدی و تحت مسئولیت پیمانکاران مشغول کار خواهند شد.

به گفته یکی از کارگران هفت تپه، حرفه یک کارگر بهره بردار همانندنی بری یک شغل فصلی و موقت تلقی می شود. کارگرانی که این حرفه را انجام می دهند تنها در طول فصل برداشت به صورت موقت استخدام می شوند و طبیعی ست که بعد از اتمام کار برداشت نی در آمد و شغل خود را از دست بدهند. او می گوید: یکی دیگر از مشکلات اساسی کارگران فصلی در مجتمع نیشکر هفت تپه وضعیت پرداخت بیمه اجتماعی آنهاست. کارگرانی که به صورت فصلی در مزارع نی مشغول به کارند به دلیل آنکه حق بیمه آنها تنها نیمی از سال پرداخت می شود برای دوران بازنشستگی دچار مشکل خواهند شد.

برگزاری نشست با موضوع جنبش های کارگری و دانشجویی

کارگران ناچار از سیاستورزی است



روز یکشنبه بیست و پنجم آذرماه ۱۳۹۷ و به همت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه هنر اصفهان و به منظور بزرگداشت روز دانشجوی،نشستی با موضوع «تاثیر جنبش دانشجویی و کارگری بر جامعه» در آمفی تئاتر توحید این دانشگاه برگزار شد. در این نشست کاظم فرج الهی، تکنسین برق بازنشسته و فعال کارگری در محیطی صمیمی با دانشجویان این دانشگاه به گفت‌وگو و بحث آزاد نشست که در ادامه، خلاصه‌ای از سخنان وی و پاسخ‌های او به دانشجویان رامی خوانیم: «در مقدمه باید به دو نکته اشاره کنم. نخست توجه به شرایط موجود در ایران و دوم تعریفی از کارگر و گستردگی این طبقه بر اساس این تعریف تمامی کسانی که «کار» می کنند،اعم از کار فیزیکی و بدنی یا کار فکری و با مزد ناشی از فروش نیروی کار خود هر پنهان‌های زندگی را تامین می کنند کارگر محسوب می شوند. به رغم تمام تفاوت‌های مهم و معناداری که میان لایه‌ها و گروه‌های مختلف مزدبگیران وجود دارد، همگی در این ویژگی مشترک هستند که مایلند امنیت شغلی و شرایط کار بهتر و راحت‌تری داشته باشند و مزد بیشتری دریافت کنند و در مقابل تمامی این لایه‌ها کارفرمایی (دولتی یا خصوصی) قرار دارد که مایل است مزد کمتری پرداخت کند و با صرفه جویی در هزینه‌ها، به ویژه هزینه‌های شرایط و ایمنی کار، سود هرچه بیشتری انباشت کند»

فصل مشترک جنبش های کارگری، دانشجویی و زنان

«واقعیت اینست که جنبش اجتماعی ما مجموعه بزرگی متشکل از سه زیرمجموعه یا سه جنبش به هم پیوسته است: جنبش دانشجویی جنبش زنان و جنبش کارگری این سه هر یک با یکدیگر فصل مشترک‌های بسیار مهمی دارند. روشن است که به رغم تمامی تفاوت‌ها،

شرط لازم برای رشد و تعالی جامعه وجود تعامل همکاری، حمایت و هم‌پوشانی هر چه بیشتر میان این سه نیروی اجتماعی است. واقعیت آنکارناپذیر این است که زنان (مادران و همسران کارگران) نیمی از خود طبقه هستند که در جامعه بحران زده ما می توانند و باید متناسب با وزن خود در این جنبش و در راهبری آن نقش داشته باشند. همین وجه مشترک و پیوند و همین هم‌افزایی میان جنبش دانشجویی و جنبش زنان نیز وجود دارد. شمار بسیار بزرگی از جمعیت دانشجویی از خانواده‌های کارگری و فرزندان کارگرانند و در عین حال شمار بسیار بزرگی از اینان نیز کارگران آینده هستند. اینها در پایان دوران تحصیل ناگزیرند نیروی کار تخصصی و هنری خود را به بخش‌های مختلف عرضه کنند. همچنین شمار قابل توجهی از دانشجویان در همین شرایط حاضر نیز ناگزیرند برای تامین تمام یا بخشی از هزینه‌های زندگی و تحصیل، نیروی کارشان را به مثابه یک کالا در بازاری ناعادلانه به صاحبان سرمایه و کسب و کار که به غلط این روزها «کارآفرین» خوانده می شوند، بفروشند. می بینیم که این سه جنبش، به شکلی کاملاً طبیعی در هم تنیده و به هم پیوسته اند. رشد و پویایی یا برعکس سرکوب و شکست هر یک، اثری ناگزیر بر سرنوشت دو مورد دیگر و به تبع آن بر زیست و سرنوشت کل جامعه دارد این پیوند اندام و اعضا و تشکل‌های جنبش‌ها را در بزنگاهایی به حمایت از همدیگر ناگزیر می کند اما زمانی مفیدتر و هم افزا خواهد بود که سازمان یافته و ارگانیک باشد. نکته بسیار مهم و حساس نیز همین جاست که این همکاری و حمایت چگونه سازمان یابند؟»

طبقه کارگر، با کمی تأخیر و کوتاهی زمان، تقریباً به اندازه پیشینه تکوین سیستم سرمایه داری است و نادرست نیست که بگوییم علت وجودی جنبش‌های کارگری در واقع وجود خود سیستم سرمایه داری و نابرابری و استثمار ذاتی نهفته در آن است. یک خاطره این حقیقت را به خوبی توضیح می دهد: من سال ها، تکنسین برق یک کارخانه نساجی وابسته به بنیاد مستضعفان بودم. این کارخانه، طی دهه ۷۰ و ۸۰، هنگامی که با مدیریت داهیانه کارخانه‌های این بنیاد و به ویژه نساجی‌ها یکی پس از دیگری ورشکسته، تعطیل و به بخش خصوصی واگذار می شدند، به مدت سه سال درگیر بحرانی نظیر بحران کنونی هفت تپه و فولاد و... بود. حدود سه هزار کارگرییگر در یافت مزدهای عقب افتاده و مقابله با روند تعطیلی و انحلال و سپس واگذاری کارخانه به بخش خصوصی (امری که سرانجام تحقق یافت)، سه سال راهی و متحصن در خیابان‌ها و میادین و مقابل نهاده‌ها و ارگان‌های مختلف بودند. روشن است در این مواقع سیستم‌های امنیتی و عوامل حراست بنیاد به دنبال کشف و یافتن عوامل و

سازمان دهندگان به زعم خودشان این اغتشاش‌ها بودند اما خیلی زود، پاسخ اینکه چه کسی شماها را تحریک کرده و به خیابان و ایجاد اختلال در نظم عمومی کشانده؟ به سادگی از زبان کارگران گرفتند: بنیاد مستضعفان! نیازهای شدید خانواده گرسنگی، بی پولی و ترس از بیکاری، در یک کلام عملکرد بنیاد مستضعفان، سیاست‌های نئولیبرالی تعدیل ساختاری و تاکتیک‌های منتهی به تعطیل و واگذاری کارخانه به بخش خصوصی موجب تشدید روند ورشکستگی و انحلال کارخانه و کشاندن کارگران به خیابان شده بود. در مورد جنبش طبقه کارگر ایران می توان گفت مجموعه افراد و تحركات و تلاش‌های سازمان یافته و همچنین بدون سازمان و پرآکنده مزدبگیران است با گستردگی تمامی کارگران ساکن این سرزمین و با هدف تامین منافع و پاسداری از حقوق مادی واجتماعی این طبقه. طبیعی است کارگران نیز مانند سایر گروه‌ها و طبقات اجتماعی، هنگامی که سازمان یابند و به منافع خود آگاه شوند، برای حفظ منافع و حقوق خود تلاش خواهند کرد در تعیین سرنوشت خود و هدایت و رهبری جامعه، سهم و نقشی در خور و به سزا داشته باشند. جنبش دانشجویی هم مجموعه‌ای از دانشجویان منفرد فعال و تشکل‌های گوناگون است که به دلیل خصلت ویژه دانشجویی، این تشکل‌ها می توانند و باید که پرشمار و با انگیزه و گرایشات سیاسی گوناگون باشند. حال پرسش این است که ارتباط و حمایت متقابل این دو جنبش از یکدیگر چگونه ممکن و چگونه مفیدتر و موثرتر است و چه تأثیری بر جامعه دارد؟ وقتی سخن از جنبش‌های دانشجویی و کارگری و ارتباط آنها با هم و حامیانشان از همدیگر و اثربخشی آنها بر جامعه است به طور حتم تمرکز و تأکید بر تشکل‌ها و فعالان این جنبش‌هاست. در واقع اثربخشی این دو جنبش بر یکدیگر و بر جامعه در قالب تشکل‌های آنها و سلامت و پویایی این تشکل‌ها و ارتباط و حمایت متقابلشان قابل تصور است. به همین اعتبار قدری تمرکز بر چند و چون تشکل‌های کارگری خالی از فایده نخواهد بود. به تعبیر من سازمان‌ها و تشکل‌های کارگری را در اساس به دو دسته یاد نوع می توان تقسیم کرد:

(الف) سازمان‌ها یا تشکل‌های صنفی (ب) سازمان‌ها و احزاب سیاسی کارگری

در تعریف و چگونگی کارکرد دو جایگاه تشکل‌های نوع اول بحث و اختلاف نظر بسیار است. بعضی به نام راست تشکل‌های صنفی را تشکل‌هایی می‌دانند که فقط به مسائل محدودی مانند حقوق و مزایای بیشتر و بهبود شرایط کار بپردازند و از ورود به امر سیاست پرهیز دارند یا اینکه آنها را تشکل‌های رفورمیستی می‌دانند که در چار چوب ساختار بورژوازی عمل و فعالیت و روش طبقه کارگر را به همین امور

جزئی محدود می کنند. مصداق عینی تشکل‌های صنفی، سندیکا، اتحادیه و انجمن‌های صنفی است. این تشکل‌ها می توانند تمام یا بخشی از کارگران یک صنف، کارخانه یا رشته‌ای از صنعت یا منطقه را دربرگیرند. روشن است وقتی صحبت از این شمار زیاد عضو به میان است ناگزیر با تنوعی از جمعیت مواجهیم که رنگ، نژاد، مذهب و عقاید سیاسی و ایدئولوژی‌های متفاوتی دارند ولی کار یا سکونت در یک واحد، رشته، منطقه صنعتی یا جغرافیایی برای همگی آنها منافع و حقوق مشترکی به وجود آورده و برای تعریف و دفاع از این حقوق در این سازمان‌ها متحد می‌شوند. در جامعه سرمایه داری نه مطالبات طبقه کارگر فقط محدود به قدری افزایش دستمزد یا بهبود شرایط محیط کار است و نه حتی کسب اینها بدون ورود به عرصه سیاست مقدور است. وقتی سیستم سرمایه و کارفرمایان، به منظور پرهیز از هرگونه ترمیم مزد یا بهبود شرایط کار هزاران مانع قانونی و غیرقانونی می‌تراشند یا برای تامین سود و انباشت بیشتر ارزش اضافه، قوانین خاص تدوین می‌کنند تشکل‌ها و فعالان کارگری برای لغو این قوانین ظالمانه یا اصلاح آنها یا تدوین قوانین جدید ناگزیر از سیاست‌ورزی و ورود به عرصه سیاست هستند. کارگران و اعضای این تشکل‌ها در مقابل کارفرما یا دولت می‌ایستند. ابزار اعمال قدرت این تشکل‌ها، شمار زیاد اعضا و اتحاد و همبستگی آنهاست که ریشه در انضباط و مناسبات دموکراتیک درون تشکیلاتی آنها دارد که همه مناسب، انتخابی و پاسخگو و تصمیم‌گیری‌ها مبتنی بر خرد جمعی است. تاریخ اروپا، رئیس جمهور و نخست‌وزیران زیادی را به یاد دارد که در دوره‌ای با اتحادیه‌ها سقوط کرده‌اند. دقیقاً به همین دلیل است که گاه می بینیم کارفرمایان یا دولت‌ها سعی در خریدن یا حذف برخی رهبران تیزهوش اتحادیه‌های بزرگ را دارند.»

تشکل‌ها باید سیاست‌ورزی کنند

کارگران در اتحادیه‌ها و سندیکاها برای دستیابی به منافع و حقوق خود می‌توانند و باید همه جانبه سیاست‌ورزی کنند اما این سیاست‌ورزی فقط در راستای منافع صنفی و منطبق با تصمیم و خرد جمعی آنهاست. سوگیری و وابستگی سیاسی به هیچ حزب یا ایدئولوژی خاصی نمی تواند در کار باشد. در مجموع زاویه و شکل و هدف ورود به سیاست توسط تشکل‌های صنفی مهم است و دقت بسیار لازم دارد. معمولاً زاویه تامین منافع و مطالبات صنفی سیاست‌ورزی می‌کنند و جز در مقاطع و شرایط خاص جامعه و بزنگاه‌هایی نظیر انقلاب و به طور استثنایی، کسب یا شرکت در قدرت سیاسی در دستور کار این تشکل‌ها نیست ولی این بدان معنا نیست که اعضای این تشکل‌ها در اجرای دیگری نمی‌توانند یا نباید گرایش سیاسی یا ایدئولوژی

تشکل‌های کارگری برای بیان حقوق و منافع خود و طرح آنها در جامعه و یافتن متحدان در هر حوزه، ناگزیرند علاوه بر استفاده از روش‌های قضایی و حقوقی از امکانات ارتباط جمعی و رسانه‌ها بهره گیرند و اینجاست که با موانعی چون گزینش و سانسور و... مواجه می‌شوند

خاصی داشته و در سطوح دیگری فعال باشند. در حقیقت هیچ دیواری میان تشکل‌های صنفی و سازمان‌ها و احزاب سیاسی وجود ندارد. اعضای یک نهاد صنفی می‌توانند در عین حال در یک حزب یا سازمان سیاسی از سیاست یا ایدئولوژی خاصی پیروی یا حمایت کنند و در عین حال در سندیکای خود هم مطابق اساسنامه و خرد جمعی آنجا پیگیر مطالبات صنفی خود باشند که البته کار ساده و سراسری نیست.

روربه مسائلی اجتماعی صنفی است نه سیاسی

کارگران و تشکل‌های کارگری برای بیان حقوق و منافع خود و طرح آنها در جامعه و یافتن حمایت و متحدان در هر حوزه، ناگزیرند علاوه بر استفاده از روش‌های قضایی و حقوقی از امکانات ارتباط جمعی و رسانه‌ها بهره گیرند و اینجاست که با موانعی چون گزینش و سانسور و... مواجه می‌شوند و ناگزیرند از زاویه منافع صنفی به مقوله آزادی بیان و اندیشه و مقابله با سانسور نیز ورود کنند. با وقتی سیاست‌های یک دولت به سمت افزایش هزینه‌های تحصیل و شهریه‌های دانشگاه‌ها می‌انجامد یا زمانی که هزینه‌های درمانی افزایش می‌یابند که این تغییرات نمی‌تواند در سلامت و اقتصاد خانواده کارگران بی‌اثر باشد، در اینجا تشکل‌های پویا و پرنفوذ کارگری به مساله ورود می‌کنند و از سلامت و رفاه فرزندانشان دفاع می‌کنند. این مساله عمیقاً صنفی است اما در عین حال جنبه حمایتی از دیگر گروه‌های اجتماعی و در نهایت تقویت گروه‌ها و بهبود وضعیت جامعه را نیز در خود دارد. این درست آن روی سکه‌ای است که دانشجویان (در ایران تاکنون کمتر اما در فرانسه بسیار) در مقابل مشکلات کارگران و سختی شرایط کار یا افزایش سن و سخت‌تر شدن شرایط بازنشستگی واکنش نشان می‌دهند و اعتراض می‌کنند. باید تأکید شود ارتباط و پشتیبانی طبقات و گروه‌های اجتماعی از یکدیگر امری نه انفرادی یا محفلی که گروهی واجتماعی ست و شایسته است که از طریق ابزار و تری‌آن یعنی تشکل‌های شناسنامه دار صورت گیرد.

بانک‌ها در حال تصاحب ۲۵۰ کارخانه مازندران

بازسازی شوند. این مسئول با ابراز نگرانی از اینکه مدیران دارای صلاحیت در بخش‌های صنعتی وجود ندارند، یادآور شد: قوانینی که در سال‌های اخیر برای پیشبرد اهداف صنایع قرار داده شده مناسب زمان حال نیست زیرا هم اکنون کشور ما در جنگ اقتصادی به سر می‌برد. فرجی با انتقاد از ناکارآمد بودن ستاد تسهیل و رفع موانع تولید تصریح کرد: اقدام به برگزاری جلسات متعدد در همه واحدها جهت رفع مشکل یک واحد، تنها اتلاف وقت است در حالی که برای رفع هر مشکل می‌تواند یک قانون یا طرح تصویب کند. نایب رئیس خانه صنعت و معدن، انتخاب مدیران صنعتی از بین کسانی که از مشکلات این بخش به خوبی آگاهند را یکی از بهترین راه‌های حل مشکلات صنعتی برشمرد و افزود: کسی که برای

بازسازی شوند. این مسئول با ابراز نگرانی از اینکه مدیران دارای صلاحیت در بخش‌های صنعتی وجود ندارند، یادآور شد: قوانینی که در سال‌های اخیر برای پیشبرد اهداف صنایع قرار داده شده مناسب زمان حال نیست زیرا هم اکنون کشور ما در جنگ اقتصادی به سر می‌برد. فرجی با انتقاد از ناکارآمد بودن ستاد تسهیل و رفع موانع تولید تصریح کرد: اقدام به برگزاری جلسات متعدد در همه واحدها جهت رفع مشکل یک واحد، تنها اتلاف وقت است در حالی که برای رفع هر مشکل می‌تواند یک قانون یا طرح تصویب کند. نایب رئیس خانه صنعت و معدن، انتخاب مدیران صنعتی از بین کسانی که از مشکلات این بخش به خوبی آگاهند را یکی از بهترین راه‌های حل مشکلات صنعتی برشمرد و افزود: کسی که برای

صنعتی را سربازان جنگ اقتصادی دانست و بیان کرد: اگر مسئولان از حمایت‌کنند و مواد اولیه در داخل کشور تولید شود بخش عظیمی از مشکلات صنعت از قبیل بدهکاری به بانک‌ها حل خواهد شد. وی به عدم مدیریت در استفاده کارخانجات از جنگل‌های برای تولید مواد اولیه و اجرای طرح تنفس جنگل اشاره کرد و گفت: از مسئولانی که برای استفاده بی‌رویه از جنگل مجوز صادر می‌کردند



انتظار می‌رفت با آینده‌نگری و اقدام به جایگزینی درختان، بستری مناسب برای جلوگیری از نابودی جنگل و به دنبال آن تعطیلی کارخانه‌ها و واردات چوب فراهم کنند. فرجی تصریح کرد: افزایش قیمت محصولات، ناشی از وجود ناهماهنگی بین سرمایه‌های به دست آمده از صادرات و هزینه‌هایی است که وارد کنندگان با توجه به نرخ ارز باید برای خرید محصولات وارداتی بپردازند.